

## دیپلماسی آکادمیک اروپا؛ با تاکید بر انگلستان، فرانسه و آلمان

دکتر مهدی طاهری \*

### چکیده

فهم جایگاه دانشگاه‌ها در سیاست خارجی و نقش آنها در تصویرسازی مثبت از کشور امری حائز اهمیت است. این همان موضوعی است که از آن به دیپلماسی آکادمیک یاد می‌کنند. برای کشورهای همچون ایران که ظرفیت قابل توجهی در دانشگاه و علم دارند، این مسئله حائز اهمیت است. با بین‌المللی شدن آموزش عالی و تسهیل ارتباطات جهانی ناشی از فرایند جهانی شدن، استفاده از ظرفیت‌های نظام آموزش عالی به‌مثابه ابزار تأثیرگذار در جهت کسب منافع ملی و افزایش قدرت نرم توسط کشورهای جهان، روزبه‌روز بیشتر شده است. هر کشوری به فراخور قدرت اقتصادی و فرهنگی خود، روی برنامه‌های مبادلات فرهنگی و آموزشی سرمایه‌گذاری می‌کند. یکی از شاخص‌ترین و موفق‌ترین مناطق در این زمینه اروپا است. آنها با ابزار دیپلماسی فرهنگی برنامه‌هایی مانند تبادلات دانشجویی، بورسیه‌های تحصیلی، پروژه‌های بین‌المللی آموزشی برای دیدارکنندگان خارجی، برنامه‌های سخنرانی، بازدیدهای علمی را ترتیب داده و با هدف توسعه زبان‌های انگلیسی، فرانسه و آلمانی و... در حال انتقال ارزش‌ها و اصول اخلاقی اروپا هستند. در این زمینه، اتحادیه اروپا، دو مزیت دارد؛ یکی داشتن زبان‌های بین‌المللی و دیگری کیفیت نظام آموزش عالی. این مقاله در صدد پاسخ به این پرسش است که اتحادیه اروپا به شکل عام و کشورهای بریتانیا، فرانسه و آلمان چگونه از ظرفیت‌های آموزش عالی در افزایش قدرت نرم خود استفاده می‌نمایند؟ فرضیه ما بر این است که این منطقه با استفاده از ابزارهای دانشگاهی و جذابیت‌های علمی خود، توانسته است یکی از بیشترین مبادلات آموزشی را در سطح جهان داشته باشد و از این طریق ضمن انتقال ارزش‌های خود به دانشگاهیان، قدرت نرم خود را افزایش دهد.

کلید واژگان: ارتباطات دانشگاهی، آموزش عالی، دیپلماسی آکادمیک، اتحادیه اروپا، قدرت نرم

\* استادیار موسسه آموزش عالی مولوی و دکترای سیاست‌گذاری فرهنگی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، تهران، ایران. Email: mtaheri1982@gmail.com

---

## دیپلماسی آکادمیک اروپا؛ با تاکید بر انگلستان، فرانسه و آلمان

---

دکتر مهدی طاهری \*

### دیباچه نقش آموزش عالی در دیپلماسی فرهنگی

توجه به ظرفیت دانشگاه‌ها و ظرفیت‌های آموزش عالی در دیپلماسی فرهنگی امری حائز اهمیت است. این همان موضوعی است که از آن به دیپلماسی آکادمیک یاد می‌کنند. می‌توان گفت برای کشورهای هم‌چون ایران که ظرفیت قابل توجهی در بخش دانشگاهی و علمی دارند، این مساله حایز اهمیت بوده و لزوم توجه جدی به آن وجود دارد. توجه به تجارب جهانی در استفاده از ظرفیت آموزش عالی در راستای دیپلماسی فرهنگی و سیاستگذاری در این خصوص می‌تواند به سریع‌تر پیمودن مسیر کمک نماید. امروزه با بین‌المللی شدن آموزش عالی و نیز تسهیل ارتباطات جهانی ناشی از فرایند جهانی شدن، استفاده از ظرفیت‌های نظام آموزش عالی به مثابه ابزار تاثیرگذار در جهت کسب منافع ملی و افزایش قدرت نرم توسط کشورهای جهان بویژه کشورهای توسعه یافته، روز به روز

---

\* استادیار موسسه آموزش عالی مولوی و دکترای سیاستگذاری فرهنگی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، تهران، ایران. Email:mtaheri1982@gmail.com

بیشتر شده است. کشورهای مختلف جهان به فراخور قدرت اقتصادی و فرهنگی خود، روی برنامه‌های مبادلات فرهنگی و آموزشی سرمایه‌گذاری زیادی کرده‌اند. پنج کشور آمریکا، فرانسه، بریتانیا، آلمان و ژاپن بیشترین سرمایه‌گذاری را در این زمینه انجام داده‌اند. به عنوان مثال در پایان دهه ۱۹۹۰ سالانه بیش از ۱۰۰ هزار نفر در برنامه‌های مختلف فرهنگی و آموزشی در آمریکا شرکت کرده‌اند، در حالیکه در دهه ۱۹۸۰ این میزان از چندین هزار نفر تجاوز نمی‌کرد. یا سالانه بیش از شش هزار نفر از ۴۰ کشور جهان در برنامه مبادلات فرهنگی و آموزشی ژاپن شرکت کرده و سالانه بیش از صدها نفر از کشورهای مختلف در برنامه‌های آموزشی مالزی شرکت می‌کنند. (وحیدی، ۱۳۸۹: ۲۰۵) به طور کلی برنامه مبادلات آموزشی و فرهنگی جهت درک و توسعه شناخت متقابل، جلب حمایت افکار عمومی، توجیه سیاست‌ها و اهداف و گسترش روابط فرهنگی، اقتصادی و سیاسی با دولت‌های دیگر از اهمیت زیادی در ساختار دیپلماسی برخوردار است و به عقیده جوزف نای نقش کلیدی را در توسعه روابط درازمدت و استراتژیک بین کشورها ایفا می‌نماید.

کشورهای پیشرفته به دلایل زیر اقدام به همکاری‌های بین‌المللی دانشگاهی می‌کنند:

- ۱- ارتقای فرهنگها؛ ۲- درک فرهنگها؛ ۳- گسترش و تقویت زبان؛ ۴- گسترش و تقویت فرهنگ خودی؛ ۵- گسترش تفکرات سیاسی؛ ۶- کمک به توسعه کشورهای جهان سوم؛ ۷- ارتقای دانش و فناوری؛ ۸- بهره‌گیری از تجربیات سایر کشورها (آراسته، ۱۳۸۲).

در این راستا شناخت تجربیات و عملکرد کشورهای پیشرو در زمینه بکارگیری از نظام آموزش عالی در دیپلماسی فرهنگی خود برای کشوری با ظرفیت‌های جمهوری اسلامی ایران حایز اهمیت خواهد بود.

### ارتباط میان بین‌المللی شدن آموزش عالی و دیپلماسی فرهنگی: نگاهی تاریخی

دیپلماسی فرهنگی به عنوان یک رسم و یک روش صدها سال سابقه دارد. همه سیاحان، مسافران، معلمان و هنرمندان را می‌توان نمونه‌هایی از سفیران غیررسمی یا دیپلمات‌های فرهنگی اولیه به حساب آورد. (دهشیری، ۱۳۹۳، ۱۸). در این بین، ارتباط بین دیپلماسی فرهنگی و آموزش بین‌المللی نیز قدمتی طولانی دارد. دانشجویان از همان ابتدای آغاز به

کار دانشگاه‌های مدرن در قرون وسطی، در خارج کشور تحصیل کرده و تحت تاثیر آنچه آموخته و تجربه کرده بودند، قرار گرفته‌اند. استادان و محققان نیز برای بیش از هزار سال از مرزهای میان کشورها عبور کرده بودند و دانش همواره حیطه بین‌المللی داشته است. در واقع دانشگاه‌های قرون وسطایی، نهادهای بین‌المللی بودند که دانشجویان و استادان را از چندین کشور اروپایی دور هم می‌آوردند و به یک زبان واحد (لاتین) فعالیت می‌کردند. دانشگاه‌های قرون وسطایی به واسطه تأکید زیاد بر الهیات و قانون کلیسا، به عنوان سنگری محکم در خدمت مذهب کاتولیک بودند. گسترش ایمان مسیحی از طریق آموزش، جنبه مهم قدرت نرم کلیسا بود. از لحاظ تاریخی، جامعه مسیحیان، آموزش را به‌عنوان نیرویی قدرتمند تشخیص دادند و برای توسعه دانش و مذهب کاتولیک اقدام به تاسیس مدارس و دانشگاه‌ها در سراسر جهان کردند. گروه‌های دینی از دیگر مذاهب مختلف مسیحی نیز به طور فعالانه‌ای درگیر آموزش عالی در خارج از کشور بودند (ياسوشی و مک کانل، ۱۳۸۹: ۷۶).

دولت‌های استعماری اغلب آموزش عالی را به عنوان یک همراه مفید برای اقدامات خود می‌دیدند. بریتانیایی‌ها در توسعه این قبیل نهادها و در فرستادن دانشجویان از مناطق تحت استعمار به انگلستان برای تحصیل در دانشگاه‌های انگلیسی مهارت خاصی داشتند. از اوایل سال ۱۸۳۵، دانشگاه‌های انگلیسی و دانشگاه‌های مدل - انگلیسی در هندوستان بنا شدند و دانشجویان تحصیل کرده در این نهادها، ستون فقرات دولت استعماری را برای یک دولت استعماری را برای یک قرن یا بیشتر فراهم آوردند. البته تحصیلات استعماری، منجر به افزایش جنبش‌های ملی گرایانه نیز گردید؛ به عنوان مثال «مهاتما گاندی» و «جواهر نهرو» در مدارس استعماری در هند و سپس در انگلیس تحصیل کرده بودند (همان: ۷۶). این موضوع پیوستگی همیشگی آموزش با سیاست، یا به تعبیر میشل فوکو، رابطه دانش با قدرت را به یاد می‌آورد. این نکته نیز مهم است که امروزه مشورهای جهان سعی در ایجاد ارتباط بین آموزش عالی و برنامه‌های توسعه دارند (دهشیری و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۷) که

البته بر دیپلماسی آنها نیز اثر می‌گذارد. در ادامه با نگاهی توصیفی-تحلیلی ابتدا دیپلماسی آکادمیک اتحادیه اروپا مورد بررسی قرار داده، سپس به واکاوی دیپلماسی آکادمیک کشورهای بریتانیا، فرانسه و آلمان به عنوان مهمترین و تاثیرگذارترین کشورهای اروپایی با پیشینه کهن نظام دانشگاهی در جهان خواهیم پرداخت.

### الف) دیپلماسی آکادمیک اتحادیه اروپا: رویکرد نهادی

اتحادیه اروپا شاید تنها منطقه‌ای از جهان باشد که دارای فعالیت در حوزه آموزش عالی بین‌المللی بصورت قاره‌ای است و از این طریق بورسیه‌های تحصیلی را برای تحصیل در اروپا ارائه می‌کند. یکی از معتبرترین برنامه‌های بورسیه مقاطع عالی تحصیلی برای دانشجویان خارجی در اتحادیه اروپا، برنامه بورس تحصیلی موسوم به **اراسموس موندس**<sup>۲</sup> هست که ظرف یک دهه اخیر، فرصت‌های مالی و علمی بسیاری را برای متقاضیان تحصیل در قاره سبز فراهم کرده است. عبارت "Erasmus Mundus" از اراسموس که برگرفته از زندگی دانشمند قرن ۱۵ است و مدارج علمی خود را در مدارس کشورهای مختلف کسب کرد و موندوس که بیانگر جهانی بودن این پروژه علمی است، شکل گرفت. پیشینه این برنامه، به سال ۱۹۸۷ بر می‌گردد. زمانی که اتحادیه اروپا برنامه‌ای را تدوین کرد که در آن می‌بایستی دانشگاه‌های اروپایی با اعطای بورس‌های تحصیلی، نیروی انسانی جوان از کشورهای غیر اروپایی جذب کنند. دانشگاه‌های اروپایی همواره نگاه خاصی به تنوع فرهنگی و ملیتی در محیط آموزشی خود دارند و به همین دلیل، معمولاً بورسیه‌های تحصیلی گسترده و مختلفی را به کشورهای مختلف، از جمله کشورهای آسیایی و کشورهای فقیر آفریقایی اعطا می‌نماید.<sup>۳</sup>

برنامه اراسموس موندوس با هدف بهبود کیفیت آموزش عالی در اروپا و تحکیم درک متقابل فرهنگی ایجاد شده است این برنامه جابه‌جایی افراد و همکاری میان مؤسسات اروپایی و غیر اروپایی را تشویق و حمایت می‌کند. هدف آن ارتقاء فضای آموزشی اتحادیه

<sup>۲</sup> Erasmus Mundus

<sup>۳</sup> <http://www.bartarinha.ir>

اروپا در مقیاس جهانی، شرکت در توسعه پایدار آموزش عالی کشورهای ثالث و ارائه چشم انداز شغلی مطلوب تر به دانشجویان است. دانشجویان ایرانی ظرف چند سال اخیر، موفق شدند تا از این برنامه تحصیلی استفاده کنند.

شبکه تلویزیونی یورونیوز اروپا اخیراً در گزارشی اعلام کرد، طبق مطالعاتی که کمیسیون اروپا انجام داده، بیش از یک میلیون کودک از زوج‌هایی متولد می‌شود که طی برنامه تبادل دانشجویی اراسموس با یکدیگر آشنا می‌شوند. طبق آمار، یک سوم از جوانان شرکت کننده در برنامه راسموس اتحادیه اروپا، شریک زندگی‌شان را از ملیتی دیگر انتخاب می‌کنند. ۴۰ درصد دانشجویان پروژه اراسموس پس از فارغ التحصیلی به کشور دیگری مهاجرت می‌کنند. نرخ بیکاری بین این دانشجویان طی ۵ سال پس از اتمام تحصیل، در مقایسه با دانشجویان دیگر تقریباً یک چهارم کمتر است. طبق گزارش یورو نیوز بیش از سه میلیون دانشجو از سال ۱۹۸۷ تا کنون، از برنامه اراسموس اتحادیه اروپا بهره برده‌اند.<sup>۴</sup>

یکی از برنامه‌هایی که تحت قابل برنامه اراسموس برای دانشجویان خاورمیانه به ویژه ایران ارائه می‌شود، به برنامه "سلام"، اشاره دارد که در نشانی <http://portal.uw.edu.pl/en/web/salam> در دسترس هست. کلیه علاقمندان به تحصیل در مقاطع کارشناسی ارشد و دکترا در دانشگاه‌های اروپایی، می‌توانند از طریق این برنامه که مختص دانشجویان ایران، عراق و یمن می‌باشد، در صدها دانشگاه اروپایی با دریافت کمک هزینه تحصیلی بیش از ۱۰۰۰ یورو در ماه، شرکت کنند. ده‌ها دانشجوی ایرانی ظرف چند سال اخیر، موفق به اخذ بورسیه تحصیلی در قالب برنامه "سلام" پروژه اراسموس شده‌اند. دانشگاه فردوسی مشهد با این طرح همکاری می‌کند.

در کنار برنامه اراسموس، به طور کلی برنامه‌های اتحادیه اروپا عبارت از سقراط (SOCRATES) برای آموزش عمومی، (LEONARDO DA VINCI) داوینچی لئوناردو برای آموزش حرفه‌ای و (TEMPUS) برای همکاری با اروپای شرقی و مرکزی و انواع ویژه‌ای از برنامه‌های ایجاد پویایی در ساختار این اتحادیه می‌باشند. (شکروی، همان، ۸۰)

## ب) دیپلماسی آکادمیک بریتانیا: رویکرد سیاسی-اقتصادی

در قرن ۱۹ میلادی بریتانیا مشاهده می‌کرد که دولت فرانسه چگونه برنامه‌هایی از آموزش زبان فرانسه تا گروه‌های باستان‌شناسی خود را در مناطق دارای حساسیت برای انگلستان به منظور منافع سیاسی به کار می‌گیرد. از این رو از سال ۱۹۱۷ انگلیسی‌ها از طریق بخش خصوصی و با کمک اندک دولت کار را آغاز کردند. ابتدا مؤسسه بریتانیایی فلورانس تشکیل شد و بعدها انجمن‌های آنگلو فیل در شهرهای اصلی آمریکای لاتین به وسیله تجار انگلیسی و محلی با تاکید بر آموزش زبان انگلیسی تأسیس شد. رویکرد انگلستان به روابط فرهنگی مشابه فرانسه است. در انگلستان فعالیت‌های فرهنگی بین‌المللی که شامل آموزش زبان، علم، تکنولوژی، هنر، علوم اجتماعی و کوشش برای جذب هرچه بیشتر دانشجویان خارجی به انگلستان است بر عهده مؤسسه‌ای نیمه مستقل به نام شورای بریتانیا می‌باشد.

### شورای بریتانیا<sup>۵</sup>



شورای بریتانیا متولی اصلی دیپلماسی فرهنگی بریتانیا محسوب می‌شود و یک سازمان غیرانتفاعی، نیمه دولتی و چند منظوره است که در زمینه‌های مختلف پنهان و آشکار فعالیت می‌کند. این شورا در سال ۱۹۲۴ میلادی به عنوان موسسه‌ای افتخاری تحت عنوان «کمیته بریتانیا برای رابطه با کشورها» شروع به کار کرد. عنوان کمیته پس از مدت کوتاهی به «شورا» تغییر نمود و در سال ۱۹۳۶ نام اصلی این موسسه به «شورای بریتانیا» تغییر یافت. تمام هدف شورای بریتانیا در حوزه دیپلماسی فرهنگی، برانگیختن تحسین جهانیان نسبت به خلاقیت، ابتکارات علمی، و فضیلت بریتانیا است. (دهشیری، ۱۳۹۳: ۲۲۱). برنامه‌های اولیه آن شامل کتابخانه‌ها، سخنرانان میهمان، کرسی‌های دانشگاهی، بورسیه دانشجویان، آموزش زبان، نمایش فیلم و حمایت از هنرمندان بود.

شورای فرهنگی بریتانیا سازمانی بین‌المللی برای روابط فرهنگی و فرصت‌های آموزشی

ست. این شورا در سه حوزه فعالیت می‌نماید: هنر، زبان آموزی و فعالیت‌های اجتماعی. هدف آن فراهم ساختن فرصت‌های بین‌المللی برای مردم بریتانیا و دیگر کشورهاست تا در سطح جهانی بین آن‌ها اعتمادسازی کند. این شورا با در اختیار گذاشتن منابع و دوره‌های آنلاین به مدرسان زبان انگلیسی در راستای رشد حرفه‌ای شان کمک کرده و توان تخصصی بریتانیا و فرصت‌های پیشرفت شغلی را از طریق شورای فرهنگی بریتانیا قابل دسترسی می‌کند. از طریق این رسانه‌ها، افراد می‌توانند سطح انگلیسی خود را ارتقا بخشند، درباره تحصیل در بریتانیا اطلاعات کسب کنند و درباره مدارک دانشگاه‌ها و امتحان‌ها بیشتر بدانند. همچنین از کنفرانس‌های منطقه‌ای زبان آموزی حمایت کرده است.<sup>۶</sup>

این شورا به عنوان یک نهاد فرهنگی - اجتماعی، مربیان، اساتید، هنرمندان، ورزشکاران، دانشمندان و سیاستگذاران بریتانیایی را به هم نوعانشان در کشورهای دیگر پیوند می‌زند (همان، ۲۲۱). این اقدامات، نه تنها به افزایش نفوذ فرهنگی بریتانیا در کشورهای مختلف می‌شوند، بلکه نوع خاصی از دیپلماسی را که بدان «دیپلماسی خط دوم»<sup>۷</sup> می‌گویند، میان بریتانیا و کشورهای هدف ایجاد می‌کند. در واقع، بهره‌گیری از شخصیت‌های فرهنگی و غیرسیاسی جهت حل و فصل مسائلی که از توان دیپلماسی خط اول (دیپلماسی رسمی) خارج است، به یکی از وظایف شورای بریتانیا مبدل گردیده است. بطور کلی هدف اصلی دیپلماسی فرهنگی بریتانیا که از مجرای نهادهایی از قبیل شورای بریتانیا اعمال می‌شود، ایجاد تصویر مثبت از این کشور است که برای مدت طولانی پابرجا مانده و تعاملات اقتصادی و دیپلماتیک دوجانبه و چندجانبه کشورهای دیگر را با لندن ترغیب نماید (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۸۸).

فعالیت‌های این شورا با اقدامات سازمان خدمات اطلاعاتی بریتانیا که اطلاع‌رسانی متناسب با اهداف کوتاه مدت سیاست خارجی را بر عهده دارد کاملاً متمایز شده است. در میان سازمانهای دولتی نیز بخش روابط فرهنگی در وزارت خارجه مسئول هماهنگی اجرایی توافقنامه‌های فرهنگی با کشورهای دیگر است. (آشنا، ۱۳۸۳: ۱۲)

<sup>۶</sup>www.Britishcouncil.org

1. Track Two Diplomacy



هم اکنون از هر ده دانشجوی مشغول به تحصیل یک دانشجوی خارجی در بریتانیا وجود دارد که این امر باعث ایجاد فضای بین‌المللی در اثر تعامل فرهنگ‌های دیگر با جامعه و فرهنگ بریتانیا می‌شود.

### دیپلماسی فرهنگی بریتانیا

بریتانیا یکی از بازیگران فعال و مطرح در حوزه دیپلماسی فرهنگی به شمار می‌رود. برخورداری از شهرت جهانی این کشور در عرصه تعاملات فرهنگی همراه با روابط دیرین انگلستان با نهادهای خارجی و بین‌المللی موجب شده‌اند تا بریتانیا به یکی از سکناداران اندیشه و عمل در حوزه فرهنگ (برای جامعه جهانی) تبدیل شود. نهادهای بخشهای فرهنگی بریتانیا در نتیجه مبادلات بین‌المللی با همتایان خارجی خویش، مزایایی مستقیم و غیرمستقیم اقتصادی برای این کشور به ارمغان می‌آورند. برخی از این مزایا به لحاظ کمی قابل محاسبه هستند، اما برخی دیگر کیفی بوده و به راحتی نمی‌توان ارزش و بهای آنان را برای بریتانیا متذکر شد. با این حال، می‌توان مزایای زیر را در این خصوص برشمرد:

اول اینکه دیپلماسی فرهنگی بریتانیا به افزایش درآمد سرانه کشور کمک می‌کند. همچنین بریتانیا حائز رتبه شایانی در آموزش و تربیت فرهنگی است. از دوره‌های آموزشی تخصصی گرفته تا مدارس تابستانه که هم در داخل و هم در خارج این کشور برگزار می‌گردند، به حفظ این جایگاه یاری کرده‌اند.<sup>۸</sup>

دوم اینکه، مجموعه علمی بریتانیا، منابع طبیعی را در خدمت ابداعات علمی و ابتکارهای پزشکی قرار داده است. این کشور در حوزه علم و فناوری از پیشگامان محسوب گردیده و برخی از دانشگاه‌های بریتانیایی همچون آکسفورد، کمبریج و مدرسه علوم اقتصادی لندن از شهرت جهانی بهره مند هستند. حجم فعالیت‌هایی که در عرصه فرهنگی کشور بریتانیا در جهان انجام می‌دهد، بسیار گسترده است، به همراه شورای بریتانیا، بیش از ۵۰ نهاد فرهنگی بریتانیایی در گوشه و کنار جهان مشغول هستند که شبکه قدرتمندی از نهادهای فرهنگی فرامرزی به وجود آورده‌اند که قابل مقایسه با نمایندگیها و سفارتخانه‌های

دیپلماتیک این کشور است. از آن جا که نهادهای فرهنگی بریتانیا عمدتاً در فراسوی مرزهای ملی فعالیت میکنند و همچنین با عموم مردم تعامل دارند، سفیران غیررسمی این کشور به شمار می‌روند. در واقع، رقابت آن‌ها با یکدیگر و هم‌تایان خارجی خویش در کنار تلاش‌های آنان برای اخذ مجوز فعالیت در داخل و خارج از کشور، نه تنها موجب افزایش تأثیرگذاری آنان می‌گردد، بلکه پلی میان حوزه‌های دیپلماسی، روابط بین‌الملل و افکار عمومی برقرار می‌سازد. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۹۵)

### منابع اصلی نقش آفرین در نظام آموزش عالی بریتانیا

بر مبنای دیدگاه جوزف نای، دو منبع کلیدی باعث افزایش نقش نظام آموزش عالی در دیپلماسی فرهنگی و تامین قدرت نرم کشور بریتانیا گشته است. این دو منبع اثرگذار یکی زبان انگلیسی به عنوان مهمترین زبان علمی جهان و دیگری دانشگاه‌های معتبر این کشور با قدمتی طولانی است.

#### زبان انگلیسی

زبان انگلیسی که زبان اول جهان به شمار می‌رود، یکی دیگر از عناصر قدرت نرم بریتانیاست. انگلیسی، زبان مادری ۴۲۷ میلیون نفر از جمعیت جهان است. همچنین حدود ۹۵۰ میلیون نفر در دنیا به انگلیسی به عنوان زبان دوم تسلط دارند که زمینه زیادی برای فعالیت فرهنگی و دیپلماسی عمومی بریتانیا مهیا می‌سازد (Saville-Troike, 2006). یکی از این زمینه‌ها، چاپ و انتشار کتب آموزشی زبان انگلیسی توسط دانشگاه‌های بریتانیا نظیر آکسفورد و کمبریج است. افزون بر مزایای فرهنگی ناشی از جهانشمولی زبان انگلیسی برای بریتانیا، این زبان کاربرد زیادی در تجارت جهانی و سایر فعالیتهای اقتصادی بین‌المللی دارد و به عنوان موتور محرکی برای اقتصاد جهانی بریتانیا عمل می‌نماید. چیرگی زبان انگلیسی بر سایر زبان‌های زنده دنیا، در فضای مجازی و شبکه جهانی اینترنت نمود بیش تری دارد که طبیعتاً شهروندان، شرک‌تها، مؤسسات و دولت بریتانیا از این مزیت بهره مند می‌گردند. اینک اکثر دانشگاه‌های جهان حتی در پاریس، به زبان انگلیسی تدریس می‌کنند و نظام آموزشی کشورها از طریق زبان انگلیسی به هم متصل شده است. این سیستم جهانی،

بسط و انتقال افکار و ایده‌های بریتانیایی‌ها به سایر نقاط جهان به ویژه تأثیرگذاری آنان بر جمعیت تحصیلکرده و نخبگان فکری جوامع دوردست را تسهیل می‌کند (Michaud, ۲۰۱۲). به عبارت دیگر اعمال سلطه زبان انگلیسی مورد بهره برداری فرهنگی و سیاسی بریتانیا قرار گرفته است.

### نهاد دانشگاه

نظام آموزشی بریتانیا، منبع دیگری برای قدرت نرم این کشور محسوب می‌شود. نظام آموزشی و دانشگاه‌های بریتانیا، تأثیر بین‌المللی گسترده‌ای دارند. در سال ۲۰۱۳، بیش از ۳ میلیون دانشجوی از اقصی نقاط جهان در دانشکده‌های خصوصی بریتانیا حضور یافته‌اند و در سال ۲۰۱۲ حدود ۶۳۰۰ دانشجوی بین‌المللی در این کشور به تحصیل مشغول بودند که این رقم در مقایسه با ۲۶۰۰ دانشجوی یک دهه قبل، رشد قابل ملاحظه‌ای را نشان می‌دهد (Paton, 2012). تحصیلات عالی بریتانیا، منبعی برای قدرت نرم این کشور به شمار می‌رود. به استثنای ایالات متحده آمریکا، دانشگاه‌های هیچ کشوری در دنیا قدرت رقابت با کالج‌های انگلیسی را ندارند. در واقع، پس از آمریکا، بریتانیا بیشترین دانشگاه و مؤسسه آموزشی را در بین ۱۰۰ دانشگاه برتر جهان به خود اختصاص داده است. طبق رتبه بندی جهانی «تحصیلات تایم‌هایگر»<sup>۹</sup> دانشگاه‌های آکسفورد و کمبریج بریتانیا و کالج سلطنتی لندن جزء ۱۰ دانشگاه برتر جهان بوده و ۴ مؤسسه دیگر بریتانیایی در زمره ۵۰ مؤسسه برتر دنیا قرار می‌گیرند. رتبه بندی دیگر بین‌المللی با عنوان «رتبه بندی آکادمیک شانگهای از دانشگاه‌های جهان»<sup>۱۰</sup> آکسفورد و کمبریج را میان ۱۰ دانشگاه برتر قرار داده و چهار مورد دیگر را جزء ۵۰ تای نخست دانسته است. با توجه بر این نکته که فرانسه هیچ دانشگاهی در رده بندی تایم‌هایگر نداشته و در رده بندی شانگهای نیز فقط دو دانشگاه در میان ۵۰ تای نخست دارد و آلمان نیز طبق این رتبه بندی، به مثابه فرانسه تنها دو دانشگاه آن هم در رتبه‌های ۴۹ و ۵۰ در میان ۵۰ تای برتر دارد، اهمیت نهادهای آموزشی و تحصیلات عالی

<sup>۹</sup> Times Higher Education (THE)

<sup>۱۰</sup> Shanghai's Academic Ranking of World Universities

در تولید قدرت نرم بریتانیا پررنگ تر می‌شود.<sup>۱۱</sup>

سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی، از چندین جهت کشور بریتانیا را منتفع می‌سازد. اول این که، پژوهش‌ها و تولیداتی که توسط دانشگاه‌ها و اندیشکده‌های بریتانیایی تولید می‌شود، به ایجاد و حفظ مهارت‌های علمی و فنی مورد نیاز دولت و شرکت‌های خصوصی این کشور کمک می‌کند.<sup>۱۲</sup>

دوم اینکه دانشجویان و پژوهشگران خارجی به همراه خود، مهارت‌ها و دانش نوین را به بریتانیا منتقل می‌سازند. این مهارت‌ها و تبادلات فرهنگی می‌تواند در پویایی و تحرک کسب و کار و رشد اقتصاد تجارت محور بریتانیا مؤثر افتد. به طور کلی می‌توان گفت که دانشگاه‌های بریتانیا به تولید ثروت و رفاه اقتصادی-اجتماعی این کشور کمک می‌کنند. در سال ۲۰۱۲ - ۲۰۱۱ آنها مسئول ایجاد ۳۷۸۲۵۰ شغل در سطح بریتانیا بوده و بیش از ۱۰ میلیارد پوند از محل شهری‌ها و هزینه‌های تحصیلی برای این کشور درآمدزایی داشته است. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۸۷)

### ج) دیپلماسی آکادمیک فرانسه؛ رویکرد فرهنگی - زیبایی

فرانسه از ابزارهای فرهنگی قدرتمندی (قدرت نرم) جهت تاثیرگذاری بر افکار و اندیشه‌های سایر ملل جهان برخوردار است و عمدتاً این دولت است که متولی بکارگیری این ابزارها جهت دستیابی به اهداف و منافع ملی است (احدی، ۱۳۸۹: ۱۰۴). دیپلماسی فرهنگی کنونی این کشور از پیشینه‌ای که سابقه آن به آغاز قرن ۱۹ بازمی‌گردد و مملو از تجارب و نهادهای مرتبط با آن است، برخوردار می‌باشد. دیپلماسی فرهنگی - مبتنی بر تجربه فرانسوی‌ها در قرن نوزدهم - در ابتدا به معنای سرمایه‌گذاری برای تأسیس مدارس و مؤسسات فرهنگی در کشورهای مورد نظر بر مبنای اهداف استراتژیک بود. کوالیرو<sup>۱۳</sup> جانشین رئیس شورای بریتانیا در مقاله‌ای با عنوان «دیپلماسی فرهنگی: دیپلماسی تأثیر گذاری» آغاز شکل‌گیری دیپلماسی فرهنگی را همراهی گروهی از هنرمندان فرانسوی با

۱. <http://www.shanghai ranking.com>

۲. <http://www.parliament.uk/>

۳. Cavaliero

هیئت اعزامی دوک لوکزامبورگ به دربار پرتغال در برزیل به سال ۱۸۱۶ می‌داند؛ این هنرمندان هدیه رسمی و سفیران فرهنگی فرانسه برای تأسیس یک مدرسه هنرهای زیبا در ریو دوژانیرو بودند سال بعد دو دانشمند زمین شناس پروسی، هیئت سیاسی کشور خود را در جریان ازدواج شاهزاده پرتغال همراهی کردند تا به مردم و دربار پرتغال جهان جدید را بشناسانند. در واقع دو کشور فرانسه و آلمان همان‌گونه که آغازگران دیپلماسی فرهنگی بودند هنوز هم بیشترین سرمایه‌گذاری ملی را در این راه می‌نمایند (Cavaliero, 1986: 139). مؤسسه آلیانس فرانسه<sup>۱۴</sup> زیر نفوذ یهودیان از سال ۱۸۸۳ و پس از شکست از پروس کار خود را آغاز کرد. این مؤسسه برای تدریس زبان فرانسه در مستعمرات و بقیه کشورها ایجاد شد. در ۱۹۰۲ مؤسسه لای میسیون<sup>۱۵</sup> برای آموزش غیر مذهبی در ماوراء بحار و در سال ۱۹۱۰ دفتر ملی برای تبادلات مدرسه‌ای و دانشگاهی و اداره مدارس و مؤسسات فرانسوی خارج از کشور تأسیس شد. پیشتازی فرانسه در نهادینه کردن روابط فرهنگی بین‌المللی باعث شد تا در این زمینه یک مدل فرانسوی شکل بگیرد. این مدل که شامل آموزش زبان، تعلیم و تربیت، تبادلات علمی و حتی مذهبی می‌شود، توسط بسیاری از کشورها پذیرفته و دنبال شده است (آشنا، ۱۳۸۳: ۱۱).

اهمیت زیاد دیپلماسی فرهنگی برای سیاست خارجی فرانسه از آنجا مشخص می‌شود که این کشور از گسترده‌ترین شبکه متشکل از موسسات فرهنگی، مانند مدارس خارجی یا زبان در دنیا سود می‌برد و بودجه‌ای بیش از یک میلیارد یورو<sup>۱۶</sup> بسیار بیشتر از بودجه کشورهای قابل قیاس با فرانسه برای کار فرهنگی اختصاص داده است. به علاوه فرانسه از ماه می ۱۹۶۸ با جنبش دانشجویی خود، جنبش‌های اجتماعی را در اروپا آغاز می‌کند. (مطلبی و بیژن، ۱۳۹۶: ۷۲) مسئولیت اصلی دیپلماسی فرهنگی با وزارت امور خارجه و در داخل این کشور با مدیریت کل توسعه و همکاری بین‌المللی که در سال ۱۹۹۸ از ادغام وزارت کمک‌های خارجی با وزارت کمک‌های توسعه‌ای به وجود آمد است. در کنار آن،

<sup>۱۴</sup> Alliance Francaise

<sup>۱۵</sup> Day Mission

وزارتخانه‌هایی، چون وزارت فرهنگ، وزارت آموزش و پرورش و وزارت آموزش عالی تا حد زیادی در دیپلماسی فرهنگی دخیل هستند.

فرانسوی‌ها به اساتید دانشگاهی که بورس تحصیلی گرفته‌اند و یا افرادی که در آنجا در رشته‌های مختلف هنری و علمی تحصیل کرده و به ایران آمده‌اند به عنوان یک عامل گسترش فرهنگ و زبان فرانسه نگاه می‌کنند و در عمل ارتباط با این افراد را حفظ می‌کنند. حدود ۶۰۰ میلیون نفر از مردم جهان در ۳۹ کشور جهان به زبان فرانسه صحبت می‌کنند که ۱۹۰ میلیون از آنها به عنوان زبان دوم استفاده می‌کنند. در میان کشورهای فرانکوفون ۱۵ کشور دارای اکثریت مسلمان هستند و در این کشورها ۲۲۶ میلیون نفر مسلمان به زبان فرانسه صحبت می‌کنند. فرانسوی‌ها انستیتو دایمی زبان فرانسه (فعال در ۱۱۰ کشور) را ایجاد کرده و ریاست آن سال‌ها برعهده ی پطروس غالی (دبیرکل اسبق سازمان ملل) بود و هر ساله به فعالان عرصه ی فرانکوفونی مدال اعطا می‌کنند.

### نهادهای مرتبط با دیپلماسی فرهنگی - آموزشی فرانسه

#### ۱. مؤسسات فرهنگی فرانسه<sup>۱۶</sup>

این مؤسسات که شمار آنها به ۱۴۵ مرکز می‌رسد، از گذشته تا به امروز هسته مرکزی دیپلماسی فرهنگی فرانسه را تشکیل می‌دهند. این مراکز در ۹۲ کشور دنیا پراکنده شده‌اند و محل آشنایی با فرهنگ فرانسه و یادگیری زبان به حساب می‌آیند. از نظر پراکندگی جغرافیایی بیش از ۵۰ درصد این مراکز در اروپا، ۱۰ درصد آنها در کشورهای مغرب و بقیه در آسیا و آمریکای لاتین پراکنده شده‌اند و در ایالات متحده به جزء در واشنگتن چنین مرکزی وجود ندارد.

مراکز مذکور به شکل مستقیم با وزارت خارجه فرانسه مرتبط هستند و این وزارتخانه، بودجه ۱۳۸ میلیون یورویی و پرسنل آنها را تامین می‌کند. از این رو، مراکز مذکور از استقلال نسبی‌ای که مراکز شبیه به آن، مانند موسسه گوته (آلمان) و شورای بریتانیا (انگلستان) از آن برخوردارند، سود نمی‌برند. لذا وابستگی مستقیم ساختاری و سلسله مراتبی را باید به عنوان مهم‌ترین ویژگی دیپلماسی فرهنگی فرانسه به حساب آورد.

<sup>۱۶</sup> Institut Franc 'ais



متولی اصلی دیپلماسی عمومی و فرهنگی در کشور فرانسه سازمان غیر انتفاعی و مستقل آلیانس است. این موسسه در سال ۱۸۸۳ تاسیس گردید. هدف از تاسیس آن تقویت و گسترش شناخت در زمینه زبان فرانسه در سطح جهان و تقویت مبادلات فرهنگی، هنری و فکری بین فرانسه و سایر کشورهاست. آلیانس فرانسه نزدیک به ۱۰۴۰ شعبه در ۱۳۶ کشور جهان و در پنج قاره دارد که یک شبکه واقعی زبان و فرهنگ را باهمکاری بخش فرهنگی فرانسه به وجود آورده است. (دهشیری، ۱۳۹۳: ۲۲۴). آلیانس به نوعی نهاد فرهنگی فرانسه به شمار می‌آید که با سفارتخانه‌ها در ارتباط است و مدرک ارائه شده به زبان آموزان خارجی، قابل قبول دانشگاه‌ها و مراکز دولتی فرانسه است. هر ساله ۴۵۰ هزار نفر از سراسر دنیا با این موسسه ارتباط دارند. نخستین شعبه آلیانس در ایران به سال ۱۸۸۹ م/۱۳۰۶ ق/۱۲۶۸ ش مقارن با دوره ناصری در تهران و شیراز افتتاح گردید. بر اساس گزارش بولتن آلیانس {مجله تخصصی آلیانس فرانسه}، در میان بنیانگذاران، دکتر تولوزان حکیم باشی ناصرالدین شاه حضور داشت که به عنوان نماینده شعبه تهران برگزیده شد. ریاست آن را نیز دکتر فوریه، پزشک فرانسوی ناصرالدین شاه و نیز پزشک ارتش و نویسنده "سه سال در دربار ایران" بر عهده داشت.<sup>۱۸</sup>

آلیانس فرانسه پاریس، در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۱۲ برچسب «کیفی آموزش فرانسه زبان خارجی» را از آن خود کرد که هر چهار سال یکبار توسط وزارت آموزش ملی، آموزش عالی و پژوهش، و وزارت امور خارجه و اروپا و وزارت فرهنگ و ارتباطات فرانسه صادر می‌شود. نیز در میان تمام معیارهای بررسی شده، همانند استقبال دانشجویان، کیفیت مدرسان و دروس ارائه شده، محلیت و مدیریت مدرسه، بالاترین امتیاز را به دست آورده است. همچنین از بنیانگذاران انجمن آزمونگران زبان در اروپا<sup>۱۹</sup> است که خود، برخی از معتبرترین مؤسسات اروپایی در امر ارزیابی زبان خارجی را در برمی‌گیرد. افزون بر همه

<sup>۱۸</sup> Alliance Française

<sup>۱۹</sup> <http://anthropology.ir/>

<sup>۲۰</sup> Association of Language Testers in Europe (ALTE)

این‌ها، خصوصیت محلی بودن کمیته شاخه‌های مختلف آلیانس، آن را به یک میانجی برقراری و تلطیف روابط سیاسی در صورت بروز مشکلات احتمالی، و آماده سازی زمینه برای برقراری ارتباط مجدد تبدیل می‌کند. گویانکه این امر یعنی میانداری بین مقامات فرانسوی و مقامات محلی هر شاخه، به خودی خود می‌تواند مشکل ساز باشد.<sup>۱</sup>

۳. **آژانس آموزش برای خارجی‌ها:** این آژانس سالانه ۲۸۱ میلیون یورو از وزارت خارجه فرانسه دریافت می‌کند تا شبکه‌ای متشکل از ۲۵۳ مدرسه و دبیرستان در ۱۳۵ کشور دنیا را تحت پوشش و حمایت قرار دهد. در این مدارس، فرزندان اتباع فرانسه در کشورهای خارجی (۴۷ درصد) و نیز دانش آموزان کشور میزبان (حدود ۵۳ درصد) آموزش داده می‌شوند، که بدین شکل با فرهنگ و زبان فرانسه آشنا می‌گردند.

۴. **مبادلات دانشگاهی:** تبادلات علمی، دانشگاهی و فنی، ازسوی وزارتخانه‌های متعدد و با بودجه‌ای معادل ۲۵۰ میلیون یورو حمایت می‌شود. در کنار دانشگاه‌ها، مدارس عالی و موسسات پژوهشی، که مسئولیت گسترش همکاری‌های بین‌المللی فرانسه را برعهده دارند، سازمان Egide نیز با بودجه‌ای بالغ بر ۱۰۰ میلیون یورو درسال، ۱۸ هزار نفر را برای تحصیل در فرانسه، بورس تحصیلی می‌کند. علاوه براین، آژانس دانشگاهی فرانسه<sup>۳</sup> مسئولیت گسترش مدارس این کشور در خارج و تسهیل ورود دانشجویان خارجی به دانشگاه‌های فرانسه را برعهده دارد. بدیهی است که هدف تمام این اقدام‌ها دستیابی به نفوذ دیپلماتیک به واسطه پرورش نخبگان کشورهای دیگر در فرانسه و وابسته سازی آنها به این کشور است.

۵. **در سطح چندجانبه نیز،** فرانسه عضو سازمان بین‌المللی جوامع فرانسوی زبان<sup>۴</sup> است و از این سازمان که وظیفه اش گسترش و حفظ زبان فرانسوی در دنیاست حمایت مالی گسترده‌ای می‌کند. میزان حمایت از این سازمان از سوی فرانسه به ۵۵ میلیون یورو در

<sup>۱</sup> <http://anthropology.ir/>

<sup>۲</sup> (AEFE)

<sup>۳</sup> (ACF)

<sup>۴</sup> (OIF)



سال می‌رسد.<sup>۱</sup>

اینگونه فعالیت‌ها در این راستا صورت می‌پذیرد که هرچه میزان آشنایی و یا حتی دلبستگی و تعلق خاطر افراد در کشورهای دیگر به فرهنگ فرانسه بیشتر شود، افراد مزبور قادرند نقش یک لابی قدرتمند را برای فرانسه در کشور متبوع خود ایفا کنند و از این رهگذر تامین منافع سیاسی و اقتصادی فرانسه در کشورهای مختلف با سهولت بیشتری صورت می‌گیرد. نمونه این امر فارغ التحصیلان خارجی دانشگاه‌های فرانسه هستند که هنگام بازگشت به کشورشان در هر مسندی که قرار گیرند، تلاش خواهند کرد در جهت تحکیم روابط و پیوندهای کشور خود با فرانسه کوشا باشند. از این رو، قدرت نرم باید از طریق سازوکارهای خاصی اعمال شود تا نتیجه مطلوب حاصل شود. (احدی، همان: ۱۰۶)

**(د) دیپلماسی آکادمیک آلمان؛ رویکرد اقتصادی-زبانی**

جمهوری فدرال آلمان یکی از کشورهای پیشرو در زمینه بکارگیری آموزش عالی در دیپلماسی فرهنگی خود می‌باشد. این کشور با هدف تقویت همکاری‌های فرهنگی بین‌المللی و ارائه تصویری مناسب از کشور آلمان در نزد مخاطبان خارجی به جذب اقبال تحصیل کرده و دانشگاهی مبادرت می‌کند. در این راستا می‌توان به دو نهاد تاثیرگذار در پیشبرد اهداف عالی آلمان اشاره نمود.



### الف) انیستیتو گوته

انیستیتو گوته جمهوری فدرال آلمان در سال ۱۹۵۱ تاسیس گردید. گرچه از ابتدا ماموریت‌های صرفاً آموزشی داشت اما بتدریج به متولی اصلی دیپلماسی فرهنگی در کشور آلمان تبدیل شد و مستقیماً زیر نظر وزارت امور خارجه آلمان فعالیت می‌کند. این موسسه یک سازمان غیرانتفاعی است وظیفه آن معرفی و گسترش زبان و فرهنگ آلمانی در بیرون از مرزها و پیشبرد همکاری‌های فرهنگی بین‌المللی است. (دهشیری، ۱۳۹۳: ۲۱۶)

<sup>۱</sup> www.hawzah.net

معرفی، ترویج و گسترش زبان آلمانی در خارج از مرزها، مدیریت و تقویت همکاری‌های فرهنگی بین‌المللی، و ارائه و معرفی تصویری جامع از کشور آلمان برای مخاطبان خارجی در سراسر جهان از طریق اطلاع رسانی صحیح در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی از مهمترین اهداف این موسسه به شمار می‌آید. (همان: ۲۱۸)



## سرویس مبادله آکادمیک آلمان (دآآد)<sup>۱</sup>

«سرویس تبادلات دانشگاهی آلمان» یا به عبارت دیگر موسسه مبادلات آکادمیک آلمان که به اختصار «دآآد» نامیده می‌شود سازمانی است که از بهم پیوستن موسسات آموزش عالی آلمان ایجاد شده است و مأموریت آن ارتقاء روابط آموزشی و آکادمیک بین موسسات آموزشی آلمان و سایر کشورهای جهان می‌باشد و از قدیمی‌ترین نهادهای فعال در اروپا است. ساختار اولیه این موسسه توسط «کارل یواخیم فردریش» در سال ۱۹۲۵ میلادی و در جریان انتقال ۱۳ دانشجوی رشته‌های علوم سیاسی و اجتماعی آلمان به نیویورک شکل گرفته است. در سالهای ابتدایی، فعالیت این موسسه محدود به تبادلات دانشگاهی با ایالات متحده بوده است. در جریان جنگ دوم جهانی فعالیت‌های این مرکز متوقف شده و پس از پایان جنگ در سال ۱۹۵۰ در شهر «بن» آلمان غربی مجدداً از سر گرفته شد. امروزه این مرکز ۱۸ دفتر نمایندگی برای دستیابی سریع و آسان به اهداف خود در نقاط مختلف جهان تاسیس نموده و با بودجه تقریباً ۳۰۴ میلیون یورویی مشغول به فعالیت است. موسسه DAAD در طول نزدیک به ۶۰ سال فعالیت خود (بعد از سال ۱۹۵۰) بیش از ۱/۵ میلیون نفر دانشجوی آلمانی و غیر آلمانی را تحت حمایت خود قرار داده که حفظ ارتباط با این افراد موجب تشکیل شبکه گسترده دانشمندان و دانشگاهیان شده است. این موسسه تلاش قابل توجهی در برقراری ارتباط مستمر با افراد پذیرفته شده خود داشته است.<sup>۲</sup>

هدف موسسه دآآد تولید علم نیست، بلکه موسسه‌ای که نقش یک نهاد حمایتی را ایفا می‌نماید. در طول دوران بورس، این موسسه از هیچ اهرم تنبیهی استفاده نمی‌نماید، بلکه

<sup>۱</sup>Deutscher Akademischer Austauschdienst (German: German Academic Exchange Service)

<sup>۲</sup><http://www.techdiplomacy.ir/>

رویکرد کلی آن به کار بردن اهرم تشویقی است. برای این موسسه چند مساله مهم وجود دارد که نخستین آن، یادگیری زبان آلمانی است. در سال ۸۸ شمسی ماهانه پرداختی به هر دانشجوی ایرانی که از طرف این موسسه پذیرفته شده بود، هزار یورو بوده است در صورتیکه برای یادگیری زبان آلمانی هرماه مبلغ ۱۴۰۰ یوروری به دانشجوی پرداخت می‌کردند که نحوه مصرف آن نیز متناسب با شرایط فرد بود.<sup>۱</sup>

### اهداف و مأموریت‌ها

به طور مختصر مأموریت این سازمان ارتقاء روابط آموزشی و آکادمیک بین مؤسسات آموزشی آلمان و سایر کشورها است که ابتدا از طریق مبادله دانشجو، فارغ التحصیلان و دانشگاهیان کار خود را دنبال میکند. اهداف این سازمان به طور عمومی برای همه کشورها تدوین شده است و در جهت حفظ منافع هم کشورهای خارجی و کشور آلمان میباشد. (شکروی، ۱۳۸۴: ۸۰) دآد به طور خاص بر تبادلات دانشگاهی تمرکز نموده است و مأموریت خود را تسهیل کردن این امر می‌داند. در اسناد مربوط به این موسسه به صراحت بیان شده است که این موسسه به دنبال تولید علم نیست. بلکه تنها بر تسهیل ارتباطات دانشگاهی تمرکز می‌نماید. اهداف موسسه داد را می‌توان اینگونه طبقه بندی نمود:

- ۱- تشویق دانشجویان جوان و ممتاز و پژوهشگران خارجی برای تحصیل و تحقیق در آلمان و در صورت امکان تداوم همیشگی این ارتباط؛
- ۲- فراهم نمودن امکان فعالیت محققین جوان و حرفه‌ای آلمانی در بهترین مؤسسات سراسر جهان؛
- ۳- ترویج و تبلیغ مؤسسات تحصیلات تکمیلی آلمان در سطح بین‌المللی و معرفی نیازهای این مؤسسات؛
- ۴- حمایت از آموزش زبان و ادبیات آلمانی و گسترش فرهنگ این کشور در دیگر کشورهای جهان؛
- ۵- کمک به کشورهای در حال توسعه نیمکره جنوبی و کشورهای تازه استقلال یافته بلوک

<sup>۱</sup><http://www.wikipedia.com>

شرق سابق.

خانم مایر مسئول دفتر سابق دآد در تهران، در بیان اهداف این موسسه می-گوید: «هدف نهایی آلمان از این کمک‌ها گسترش فرهنگ خود و ایجاد زمینه‌هایی برای همکاری‌های میان دو کشور در آینده است و به همین جهت نیز تمایل دارد که دانشجویان پس از اتمام تحصیل خود به ایران برگردند و در این کشور به کار و فعالیت پردازند.»<sup>۱</sup>

این موسسه در وبسایت خود ماموریت‌هایی را برشمرده است:

- ۱- ترویج زبان آلمانی و مطالعات آلمان در جهان؛ ۲- همکاری با دانشگاه‌های کشورهای خود در حال توسعه؛ ۳- معرفی دانشگاه‌های آلمانی که تمایل به افزایش تعاملات بین‌المللی خود دارند؛ ۴- ارائه اطلاعات مورد نیاز آلمانی‌هایی که تمایل به تحصیل در خارج از آلمان را دارند؛ ۵- ارائه اطلاعات برای افرادی که می‌خواهند در آلمان تحصیل کنند.<sup>۲</sup>

### شیوه‌های فعالیت DAAD

باید اشاره نمود که در آلمان هشت موسسه وجود دارد که از دانشجویان حمایت مالی می‌نمایند. معمولاً این موسسات وابسته به یک حزب سیاسی و یا گروهی مذهبی هستند. موسسه DAAD نوعی هماهنگ کننده از این ظرفیت‌هاست و البته خودش مهمترین نهاد حمایت کننده از دانشجویان در آلمان است.

- اعطای انواع بورس تحصیلی در رشته‌های مختلف

- اعطای بورس تحقیقاتی

- فرصت‌های مطالعاتی

- برگزاری دوره‌های کوتاه مدت

- برگزاری سفرهای علمی

- برگزاری نمایشگاه‌های علمی در مناطق مختلف و مطالعات فرهنگی

دفاتر DAAD در کشورهای مختلف

همانطور که اشاره شد مؤسسه دآآد دارای دفاتر متعددی در کشورهای جهان است. رویکرد کلی دفاتر در خارج از آلمان این است که فرصتهای تحصیل در آلمان را بیان کنند و مخاطب خود را تشویق به ادامه تحصیل در آلمان می‌کند. تمامی دفاتر به یک اندازه قوی کار نمی‌کنند بعضی از دفاتر حتی به وضعیت سایت رسمی خود نمی‌رسند. در کشورهای بزرگ دفتر این مؤسسه به صورت دوجانبه فعالیت می‌کنند و فرصتهای کشور میزبان خود را نیز مطرح می‌نمایند که برای دانشجویان آلمانی مفید می‌باشد. بعضی از دفاتر نیز به صورت منطقه‌ای عمل می‌کنند و چند کشور را همزمان پوشش می‌دهند. مانند دفتر هند که کشورهای منطقه را نیز پوشش می‌دهد. دفتر مؤسسه مبادلات آکادمیک آلمان در تهران در تاریخ ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۴ (برابر با ۲۳ شهریور) و در چارچوب سفر هیئتی بلندپایه، به صورت رسمی افتتاح گردید. این مرکز اطلاع رسانی، مرجعی مرکزی برای مشاوره دانشجویان و دانشمندان در ایران می‌باشد. سفارت آلمان در ایران بازگشایی دوباره دفتر مؤسسه مبادلات آکادمیک آلمان در تهران را گامی دیگر در پیشبرد و گسترش روابط آکادمیک و علمی ایران و آلمان برشمرد.<sup>۱</sup>

### نحوه عملکرد مؤسسه دآآد

با بررسی گزارش‌های منتشر شده از سوی این مؤسسه، مشخص می‌شود که این مؤسسه همکاری تنگاتنگی با وزارت علوم و وزارت خارجه آلمان دارد. این مؤسسه با گرفتن ظرفیت‌ها و نیازهای این دو نهاد به تنظیم سیاست‌های جاری خود می‌پردازد. از نظر سازمانی نیز این مؤسسه با وزارت خارجه و وزارت علوم آلمان وابسته است چرا که بخشی از بودجه سالانه این مؤسسه را این دو نهاد تامین می‌نمایند. به همین علت است که این مؤسسه علاقه‌مند است تا دانشجویان رشته‌های مرتبط با زیست فناوری را از ایران بپذیرد. که دلیل آن را می‌توان در پیشرفت‌های ایران در این رشته و نیازمندی آلمان به نیروی متخصص در این حوزه است. اما همین مؤسسه در سال ۱۳۸۸ از کشور افغانستان تنها ۲۰ دانشجوی علوم سیاسی را برای بورسیه پذیرفت. فهم دلیل آن نیز زیاد سخت نیست. کشور افغانستان در حال بازسازی ساختار سیاسی خود است و در این میان فارغ‌التحصیلان رشته‌های علوم سیاسی جایگاه مهمی خواهند یافت. این دقت نظر به احتمال زیاد ناشی از

<sup>۱</sup> <http://www.teheran.diplo.de/>

هماهنگی این موسسه با وزارت خارجه آلمان است. همچنین برای آنکه این موسسه به اهداف بلند مدت خود دست پیدا کند، تاکید بسیاری بر شبکه‌سازی افراد فارغ التحصیل خود دارد. تاکید این موسسه بر دانشجویان خود این است که تا آنجا که می‌توانند ارتباط خود با مراکز و دانشگاه‌ها و شرکت‌های آلمانی حفظ کنند.<sup>۱</sup>

تجربه کشورهای بررسی شده نشان دهنده این واقعیت است که در دیپلماسی فرهنگی این کشورها، نظام آموزش عالی به عنوان ابزاری در برسازي هویتی و تحقق منافع ملی آنان نقش آفرینی می‌کند. هرچند که اولویت اهداف دیپلماسی آکادمیک این کشورها با یکدیگر متفاوت است، اما نقطه مشترک آنان، ساختن هویت‌های همسو، با مخاطبین دانشگاهی و ایجاد تصویری مثبت از خود در جهت پیشبرد منافع ملی شان است. در جدول ذیل رویداد و نهاد متولی کشورهای مورد بررسی مشاهده می‌گردد:

جدول ۱. نوع رویداد و نهاد متولی دیپلماسی آکادمیک اتحادیه اروپا، فرانسه، بریتانیا و آلمان

کشور/ نهاد	نوع رویداد غالب	نهاد متولی
اتحادیه اروپا	نهادی	برنامه اراسموس
فرانسه	فرهنگی - زبانی	موسسه آلیانس
بریتانیا	سیاسی - اقتصادی	شورای بریتانیا
آلمان	اقتصادی - زبانی	موسسه داد و انیستیتو گوته

## نتیجه گیری

امروزه اهمیت دیپلماسی فرهنگی و استفاده از ظرفیت‌های آن بویژه آموزش عالی بر کسی پوشیده نیست. اتحادیه اروپا یکی از مهمترین مناطق جهان است که بخوبی توانسته است از این ظرفیت در دیپلماسی فرهنگی و افزایش قدرت نرم خود بهره فراوان بگیرد. این منطقه از طریق برنامه‌های دیپلماسی فرهنگی مانند تبادلات دانشجویی و بورسیه‌های تحصیلی، پروژه‌های بین‌المللی آموزشی برای دیدارکنندگان خارجی، برنامه‌های سخنرانی، بازدیدهای ترتیب داده شده برای خبرنگاران، توسعه زبان انگلیسی و... در حال انتقال

ارزش‌ها و اصول اخلاقی‌اش است. این منطقه برای پیشبرد دیپلماسی عمومی، فرهنگی و رسانه‌ای خود مبادرت به یک رشته نهادسازی، تصویب قوانین و برنامه‌ها برای اقدامات معطوف به ارتباطات و اطلاع‌رسانی، آموزش، توجیه و تفاهم و مبادلات فرهنگی و علمی دست زده است که سابقه و حرکت نخستین همه آنها به شکل جدید و نهادینه به یک قرن پیش باز می‌گردد. برنامه‌های آموزشی و همچنین برنامه‌های تبادل فرهنگی که میان اروپا و سایر کشورها جریان دارد، در جذب سیل عظیمی از نخبگان و هیئت حاکمه کشورهای گوناگون، برای شرکت در این برنامه‌ها و برنامه‌های آشنایی با شیوه و سبک زندگی غربی مؤثر بوده است. تبدلات جاری در حوزه‌های دانشجویی و ریاستی اثر مستقیمی بر سیاست‌گذاران جهان دارد. بنابر تحقیق انجام شده، این دانشجویان در شرایطی به کشورشان باز می‌گردند که نگاهشان به کشور محل تحصیل و مردمی که با آنان تعامل داشته‌اند، مثبت است. درعین حال احتمال اینکه دانشجویانی دانش‌آموخته کشورهای دموکراتیک، مروج دموکراسی در کشور خودشان باشند نیز بالاتر است. چنین برنامه‌هایی آثاری مفید و تشدید شوند با نتایجی شگرف بر شرکای غیرمستقیم آنها دارند. برای مثال، پیشبرد سیاست‌های پرسترویکا و گلاسنوست از سوی میخائیل گورباچوف ریشه در افکار الکساندر یاکوف داشت که پیش‌تر در غرب آموخته بود. با همه دلایل متفاوت پایان جنگ سرد، نخبگانی از اتحاد شوروی سابق نیز فراوان بر تأثیر تعامل اندیشه‌ها بر سقوط اقتصادی این کشور گواهی دادند (نای؛ ۱۳۹۲، ۱۳۸). بر همین اساس اتحادیه اروپا و کشورهای مهم آن، از طریق دیپلماسی آکادمیک تلاش زیادی برای جذب دانشجویان از سراسر دنیا به این قاره انجام می‌دهند. این شکل از اقدامات دال مرکزی مفهوم قدرت نرم مورد نظر جوزف نای است که اهداف خود را بدون جنگ و از طریق جاذبه دنبال می‌کند. این کشورها به دنبال

www.State.gov

http://www.farsnews.com/printable.php?nn=8911101301

Perestroika: (بازسازی اقتصادی)

Glasnost: (بازسازی سیاسی)

Alexander Yakovlev

آن هستند تا با گسترش برنامه‌های فرهنگی و دیپلماسی آکادمیک خود با مخاطبین جوان ارتباط برقرار کرده و پلی با رهبران آینده کشورها بویژه ایران ایجاد نماید. این شیوه می‌تواند بعنوان تجربه‌ای توسط جمهوری اسلامی ایران نیز به کار گرفته شود. نظام آموزش عالی ایران به کمک پیشینه غنی فرهنگی و علمی خود می‌تواند در صورت فراهم نمودن ملزومات دیپلماسی آکادمیک، بر قدرت نرم کشور و بهبود چهره جمهوری اسلامی ایران بیافزاید. به ویژه اینکه ایران، که سرگردان بین تعامل جهانی و تغییرات قدرت داخلی (Monshipouri & Zakerian, 2016: 2) است، می‌تواند از این ظرفیت دانشجویی، در چاچوب دیپلماسی فرهنگی برای ارتقای جایگاه خود استفاده کند.

### منابع:

- احدی، افسانه (۱۳۸۷)، دیپلماسی عمومی آمریکا، پژوهشنامه سیاست خارجی آمریکا، فروردین.
- آراسته، حمیدرضا. (۱۳۸۲) الگوی اعزام دانشجو در ایران و مقایسه آن با سایر کشورها، گزارش منتشر نشده، مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی.
- آشنا، حسام الدین (۱۳۸۳)، فرهنگ، ارتباطات و سیاست خارجی، ارائه مدلی برای دیپلماسی عمومی، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام / شماره ۲۱ / بهار.
- خانی، محمدحسن (۱۳۸۴)، دیپلماسی فرهنگی و جایگاه آن در سیاست خارجی کشورها، دوره ۱، شماره ۲، زمستان.
- خرازی محمدوندی آذر، زهرا (۱۳۸۸)، تاثیر دیپلماسی فرهنگی بر منافع ملی کشورها، مجله مدیریت فرهنگی، سال سوم / شماره ششم / زمستان.
- خراسانی، رضا (۱۳۸۷)، جایگاه و نقش قدرت فرهنگی در سیاست خارجی و تاثیر آن بر روند تحولات جهانی، علوم سیاسی: شماره ۴۱: بهار.
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۳)، دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- دهشیری، محمدرضا، طاهری، مهدی، رنجبر، حامد (۱۳۹۵)، "جایگاه بین‌المللی شدن آموزش عالی در منافع ملی جمهوری اسلامی ایران"، فصلنامه مطالعات بین‌المللی (ISJ)، دوره ۱۳،



- شماره ۳ (۵۱)، زمستان، صص ۸۶-۶۵.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال، ذوالفقاری، مهدی (۱۳۹۳)، تحلیل قدرت نرم بریتانیا، دوفصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال چهارم، شماره یازدهم، پاییز و زمستان.
- شکروی، عباس (۱۳۸۴)، موسسه مبادلات آکادمیک آلمان، رهیافت، شماره ۳۶، تابستان.
- عابدینی، محمدحسین (۱۳۸۴)، فعالیت‌های فرهنگی دولت‌های خارجی در آسیای مرکزی؛ ماهنامه ایراس، شماره ۴، آبان. رجوع کنید به: [www.ensani.ir/fa/content/78964/default.aspx](http://www.ensani.ir/fa/content/78964/default.aspx)
- عمادی، مریم (۱۳۹۳/۹/۲۹)، دیپلماسی عمومی کشورها، قابل دسترسی در:
- فولکر اثنائین کامپ (۱۳۸۸)، دیپلماسی فرهنگی فرانسه، ترجمه بهزاد احمدی لفورکی، دو هفته نامه پگاه حوزه، شماره ۲۷۵، اسفند.
- قاسمی، اکبر (۱۳۸۹)، ساختار اجرایی دیپلماسی عمومی بررسی موردی روسیه، اسپانیا، انگلیس، ژاپن، هند و استرالیا، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.
- مطلبی، مسعود و عارف بیژن (۱۳۹۶)، "آسیب شناسی اصالت و استقلال جنبش دانشجویی در ایران معاصر"، فصلنامه مطالعات بین‌المللی (ISJ)، دوره ۱۴، شماره ۳ (۵۵)، صص ۹۴-۷۱.
- نای، جوزف (۱۳۹۲)، آینده قدرت، ترجمه احمد عزیزی، تهران: نشر نی.
- وحیدی، موسی الرضا (۱۳۸۹)، دیپلماسی در جهان در حال تحول؛ مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- یاساشوسی واتانامه، دیوید ال. مک کانل (۱۳۸۹)، آموزش عالی، فرهنگ عامه و قدرت نرم: مطالعه موردی ژاپن و ایالات متحده امریکا؛ ترجمه محسن روحانی، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- British Council (2013), "Emerging Powers" [online]. [www.britishcouncil](http://www.britishcouncil)
- <http://anthropology.ir/node/20442> -
- <http://century21.blogfa.com/post-407.aspx> -
- <http://esteva.ir/newsprint-6935.htm> -
- <http://irdiplomacy.ir/fa/page/8587> -
- <http://old.mehrnews.com/fa/NewsDetail.aspx?NewsId=510934>-
- <http://persian.euronews.com/2015/04/13/once-erasmus-forever-erasmus>
- <http://photos.state.gov/libraries/amgov/30145/publications-persian/EJ-college>

- 1105fa.pdf
- <http://photos.state.gov/libraries/amgov/30145/publications-persian/EJ-college-1105fa.pdf>
  - <http://sahebnews.ir/163268>
  - <http://www.ana.ir/news/149179>
  - [http://www.bartarinha.ir/fa/news/229353-](http://www.bartarinha.ir/fa/news/229353)
  - <http://www.bbc.com/news/world-africa-33629577>
  - <http://www.britishcouncil.org/education>
  - <http://www.educause.edu/library/resources/soft-power-and-higher-education>
  - [http://www.iran.campusfrance.org/fa/node/67008-](http://www.iran.campusfrance.org/fa/node/67008)
  - [http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1948978 -](http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1948978)
  - <http://www.mashreghnews.ir/fa/mobile/301985>
  - [http://www.mashreghnews.ir/fa/print/80365-](http://www.mashreghnews.ir/fa/print/80365)
  - <http://www.parliament.uk/business/committees/committees-a-z/lords-select/science-and-technology-committee/publications/>
  - <http://www.shafaqna.com/persian/other-services/other-news/item/37338>
  - <http://www.shanghairanking.com/ARWU2014.html>
  - [http://www.tabnak.ir/fa/news/377193-](http://www.tabnak.ir/fa/news/377193)
  - [http://www.techdiplomacy.ir/fa/archives/58-](http://www.techdiplomacy.ir/fa/archives/58)
  - [http://www.uis.unesco.org/DataCentre/Pages/BrowseEducation.aspx-](http://www.uis.unesco.org/DataCentre/Pages/BrowseEducation.aspx)
  - [https://www.daad.de/der-daad/unsere-mission/en- /](https://www.daad.de/der-daad/unsere-mission/en/)
  - [https://www.timeshighereducation.co.uk/world-university-rankings/2015/world-ranking- /](https://www.timeshighereducation.co.uk/world-university-rankings/2015/world-ranking-/)
  - Monshipouri, Mahmood & Zakerian, Mehdi (2016), "Iran: Caught Between Global Engagement and Internal Power Dynamics", International Studies Journal (ISJ), Vol. 13, No. 2 (50), Fall, pp.1-6
  - Mulcahy, Kevin V. (1999). "Cultural Diplomacy and the Exchange Programs, 1938 – 1978. The Journal of Art Managements Law Society. Vol.29. No.1 Spring.
  - Nye, Joseph (2005) Soft Power and Higher Education, Harvard University

- Paton, Graeme (2012), "More Children Educated in British Schools Overseas", The Telegraph, 16 October, [org/organisation/facts/around-the-world/emerging-powers](http://www.telegraph.co.uk/organisation/facts/around-the-world/emerging-powers), March 2013
  - Ross, Cristopher (2002), Public Diplomacy Comes of Age, The Washington Quarterly, Spring
  - Saville-Troike, M. (2006). Introducing Second Language Acquisition. Cambridge: Cambridge University Press
- [http://www.teheran.diplo.de/Vertretung/teheran/fa/06\\_kultur/Kulturbeziehungen/DAAD\\_20 Delegation.html](http://www.teheran.diplo.de/Vertretung/teheran/fa/06_kultur/Kulturbeziehungen/DAAD_20_Delegation.html)

